

# بسته تقنینی مسئولیت عمومی میراث فرهنگی و میراث طبیعی





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ انتشار:

۱۴۰۳/۱۰/۹

شماره مسلسل: ۲۰۳۰۱

کد موضوعی: ۲۷۰



مرکز پژوهش‌های  
مجلس شورای اسلامی

عنوان گزارش:

بسته تقنینی مسئولیت عمومی  
میراث فرهنگی و میراث طبیعی

نوع گزارش: طرح/ لایحه □ راهبردی ■ نظارتی □

نام دفتر:

مطالعات فرهنگ و آموزش (گروه ورزش، میراث فرهنگی و گردشگری)

تهیه و تدوین:

سوسن چراغچی (گروه ورزش، میراث فرهنگی و گردشگری)

مدیر مطالعه:

سعید شفیعا

ناظر علمی:

موسی بیات

ناظر علمی خارج مرکز:

علی شعبانی (فرماندار سابق شهرستان ایرانشهر)

همکاران:

حامد سهرابی، سینا شامخ، یوسف زراعت کیش (دفتر مطالعات فرهنگ و آموزش)، علی فرنام، مسعود رضایی (دفتر مطالعات زیربنایی)، علی عبدالاحد، رامین مالک، سیدمیثم عظیمی، (دفتر مطالعات حقوقی)

گرافیک و صفحه آرایی:

سیده فاطمه ابوطالبی

ویراستار ادبی:

سیده مرضیه موسوی راد

واژه‌های کلیدی:

۱. مسئولیت عمومی
۲. میراث فرهنگی و میراث طبیعی
۳. مسئولیت عمومی میراث فرهنگی و میراث طبیعی

تاریخ شروع مطالعه:

۱۴۰۳/۴/۱



## فهرست مطالب

چکیده.....	۶
خلاصه مدیریتی.....	۷
۱. مقدمه.....	۸
۲. پیشینه؛ میراث فرهنگی و میراث طبیعی ذخیره و زمینه پیشرفت.....	۹
۳. زمینه مشارکت عمومی در حفاظت از میراث فرهنگی و میراث طبیعی در قوانین موجود.....	۱۰
۳-۱. قانون مدیریت خدمات کشوری.....	۱۰
۳-۲. قانون اساسنامه سازمان میراث فرهنگی کشور.....	۱۰
۳-۳. قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست.....	۱۱
۴. حق و مسئولیت مردم.....	۱۱
۵. حق دسترسی به اطلاعات میراث فرهنگی و میراث طبیعی.....	۱۲
۶. حق مطالبه‌گری.....	۱۴
۷. نگاهت نهادی.....	۱۴
۸. اقدامات جبرانی و تشویقی.....	۱۵
۹. تعاریف.....	۱۷
۹-۱. کارکرد و کاربرد میراث فرهنگی و میراث طبیعی.....	۱۷
۹-۲. حق و مسئولیت عمومی.....	۱۸
۹-۳. مسئولیت دولت.....	۱۸
۱۰. نتیجه‌گیری و پیشنهادها.....	۱۹
منابع و مأخذ.....	۲۴



## بسته تقنینی مسئولیت عمومی میراث فرهنگی و میراث طبیعی

### چکیده



افزایش آگاهی‌های عمومی و تحولات داخلی و بین‌المللی، تغییر شیوه‌های حمایت از میراث فرهنگی را ایجاب می‌کند. در ایران، امور حمایت و حفاظت از میراث فرهنگی، به‌طور انحصاری توسط دولت انجام می‌شود. این حمایت با اینکه تا حدودی به حفظ میراث فرهنگی ایران انجامیده، در عین حال زمینه مشارکت مردم در امر حفاظت را محو یا کم‌رنگ کرده و به این وسیله سرمایه عظیم مردمی در امر حمایت از میراث فرهنگی بلااثر شده است.

در دهه نخست قرن گذشته، قانون راجع به حفظ آثار ملی، مصوب ۱۳۰۹ تصویب شد که حمایت از میراث فرهنگی را وظیفه دولت قرار داد. براساس این قانون و قوانین بعدی که بر پایه آن شکل گرفته و تکمیل شدند، میراث فرهنگی، اموالی ارزشمند و شایان حفاظت به نفع نسل‌های آینده دانسته شد و با توجه به تجدیدنظرپذیری بودن این ثروت ملی، عنصر بهره‌برداری از آن توسط عموم مردم حذف شد. در حال حاضر مهم‌ترین کارکرد میراث فرهنگی، نقش آن در ایجاد حس تعلق و پیوند با ریشه‌های هویتی جامعه است. میراث فرهنگی علاوه بر این کارکرد سنتی، ذخیره و ظرفیت مهمی نیز در زمینه رشد و پیشرفت در همه ابعاد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و یا حتی حفاظت از محیط زیست است. با این حال در حال حاضر این سرمایه ارزشمند ملی، از سوی برخی نهادهای مرتبط با برنامه‌های توسعه‌ای، مانعی برای توسعه قلمداد می‌شود. پیشنهاد این گزارش آن است که **قانون مسئولیت عمومی نسبت به میراث فرهنگی و میراث طبیعی** با فعال‌سازی ظرفیت‌های مردمی، مشخص‌سازی نگاشت نهادی، ارائه مشوق‌ها، به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.



### شرح / بیان مسئله

حاکمیتی بودن حفاظت از میراث فرهنگی هر چند عملاً تولید ظرفیت برای این حوزه بوده، خواه ناخواه موانعی در برابر مشارکت و همیاری و همکاری مردم در امر حفاظت از میراث فرهنگی شده است.

یکی از دلایل مهم عدم مشارکت مردم در این زمینه، فقدان انگیزه و یا اساساً عدم درک اهمیت (احساس تعلق) میراث فرهنگی برای خود مردم و جامعه است. مدیریت صددردی حفاظت از میراث فرهنگی توسط دولت، این تصور و نگرش را در عموم مردم ایجاد کرده که میراث فرهنگی نیز همانند سایر منابع عمومی، یک ثروت دولتی و در حیطه اختیار دولت است و دولت منافع نسبی به آن دارد، پس خود هم موظف است که آن را حفظ کند. بر این اساس، اگر نه برای همه مردم، دست کم برای طیف وسیعی از آنها، هنوز روشن نیست که حاکمیتی بودن میراث فرهنگی، اساساً به دلیل حفاظت از آن به نمایندگی از مردم و به نفع عموم آنهاست. نگرش یاد شده، نوعی تقابل نامحسوس مردم با دولت و برعکس ایجاد کرده و روح همیاری عمومی در زمینه حفاظت از میراث فرهنگی را تضعیف می کند.

### نقطه نظرات / یافته های کلیدی

■ در غیاب آگاهی های عمومی در خصوص ارزش های میراث فرهنگی مربوط به پیوند مردم باریشه های هویت و عبرت و غیره، یکی از شیوه های ایجاد علاقه به میراث فرهنگی، ایجاد منافع فرهنگی و یا حتی اقتصادی برای مردم از قبیل میراث فرهنگی است که به تبع آن، مشارکت مردم در امر حفاظت را نیز در پی خواهد داشت. بدین ترتیب علاوه بر رویکرد سنتی حفظ میراث فرهنگی، یعنی نقش آن در تحکیم هویت و علائق ملی و همبستگی اجتماعی، می توان کاربردهای اقتصادی آن را نیز به عنوان نیروی محرکه حفظ و حمایت از میراث فرهنگی، احیا کرده و در سطح جامعه گسترش داد.

با وجود این، برای ایجاد حس علاقه برای مشارکت عمومی در زمینه حفاظت از میراث فرهنگی لازم است، ابتدا حقوق و مسئولیت مردم در یک قانون جدید، به رسمیت شناخته شده و الزامات و شیوه های همکاری و مشارکت دولت و مردم در زمینه حفاظت از میراث فرهنگی تبیین شود. یعنی مردم هم زمان، محق و مسئول شناخته شوند.

■ از آنجا که همه موارد و دیدگاه های فوق الذکر در خصوص میراث طبیعی نیز مصداق دارد، لذا پیش بینی حقوق و مسئولیت عمومی در این زمینه نیز ضرورت دارد.

### پیشنهاد راهکارهای تقنینی، نظارتی یا سیاستی

■ بر اساس رویکرد و یافته های کلیدی فوق الذکر، پیشنهاد این گزارش آن است که قانون مسئولیت عمومی نسبت به میراث فرهنگی و میراث طبیعی به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.

■ در این قانون لازم است ابتدا حق و به تبع آن، مسئولیت عموم مردم نسبت به مشارکت و همیاری در حفاظت از میراث فرهنگی، رسماً تأیید شده و وظایف و اختیارات مردم رای محقق کردن این حق و مسئولیت در قالب مواد جداگانه مشخص شود.

■ طبیعتاً دولت و نهاد اجرایی آن یعنی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی نیز وظایفی برای عملیاتی کردن حقوق و مسئولیت های مردم به عهده دارند. لذا در قانون مورد نظر باید وظایف وزارت مذکور و سایر نهادهای دولتی مرتبط با امر مردمی سازی میراث فرهنگی و میراث طبیعی مشخص شود.



## ۱. مقدمه

میراث فرهنگی، عامل پیوند مردم با ریشه‌های هویت ایشان و همچنین سند و گواهی زنده برای آموختن دستاوردهای نیک پیشینیان و عبرت‌گیری از اشتباهات است. از این رو تأثیر بسیار مهمی در تحکیم پیوندهای اجتماعی، هم‌بستگی و استحکام وحدت ملی دارد و حتی دارای این ظرفیت است که ابزار و دستاویزی برای تأمین بخشی از منافع ملی کشور در حوزه فرهنگی در سطح بین‌المللی باشد. علاوه بر این جایگاه و کارکرد سنتی در حوزه فرهنگی کشور - با رویکرد اتصال به گذشته - میراث فرهنگی ظرفیت بسیار مهمی نیز در راستای رشد و توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی حیات امروز به شمار می‌رود. همچنین در صورت استفاده درست و مبتنی بر برنامه‌ریزی دقیق از این سرمایه و ثروت مهم ملی، میراث فرهنگی می‌تواند عامل مهمی برای کسب درآمد برای کشور محسوب شود.

با وجود این، به فعلیت در آمدن این ظرفیت بالقوه، مستلزم رویکردی جدید و بازنگری در نظام سیاستگذاری، حقوقی و رویه اجرایی مربوط به حوزه میراث فرهنگی است. این رویکرد، به نقش و حضور مستقیم و مؤثر مردم در حفاظت از میراث فرهنگی متمایل است. امری که به واسطه چارچوب قانونی فعلی، نسبتاً دور از ذهن است. از سال ۱۳۰۹ که نخستین [قانون حفاظت از میراث فرهنگی](#) [۱] به تصویب مجلس رسید<sup>۱</sup> تا امروز که قوانین متعدد و مؤثری برای پاسخ‌گویی به اقتضانات میراث فرهنگی تصویب شده‌اند، حمایت از میراث فرهنگی امری حاکمیتی و مشخصاً در انحصار دولت، تعریف شده و لذا خارج از حیطه دسترسی و تأثیرگذاری، دست کم در حوزه حفاظت، قرار گرفته است. به نظر می‌رسد این نگرش نادرست که حفاظت از میراث فرهنگی و میراث طبیعی در انحصار دولت است که بخشی از آن به دلیل ناآگاهی اجتماعی و بخشی دیگر ناشی از نوع قانونگذاری در حوزه میراث فرهنگی بوده، با تغییر دیدگاه فعلی و تعدیل موضوع حاکمیتی بودن میراث فرهنگی، قابل اصلاح است.

با این نگرش جدید، حاکمیتی بودن میراث فرهنگی همچون گذشته ادامه خواهد یافت، اما زمینه و زیرساخت قانونی برای مشارکت و همکاری مردم نیز ایجاد خواهد شد. تا امروز رویکرد حفظ و حمایت میراث فرهنگی، از بالا به پایین بوده و مردم صرفاً ملزم به رعایت مقررات قانونی و دولتی بوده‌اند، اما در نگرش جدید، امر حفاظت از میراث فرهنگی در یک سطح موازی مردم و دولت، قرار گرفته و مردم و دولت در این سطح با یکدیگر همکاری خواهند کرد.

## ۲. پیشینه؛ میراث فرهنگی و میراث طبیعی ذخیره و زمینه پیشرفت



آنچه امروز میراث فرهنگی نامیده می‌شود در گذشته‌های نه چندان دور، جایگاه مهمی در حیات جاری و متداول مردم ایران داشته است؛ گواهانی زنده بر اینکه جوامع و تمدن‌های پیشین ایران چگونه در حال رشد و پیشرفت بوده‌اند. از این رو یکی از کارکردهای مهم میراث فرهنگی، نمایش شیوه حیات و تجارب مشترک نیاکان مردمان امروز است. از این نظر، میراث فرهنگی آینه‌ای زنده و پویاست که تجارب پیشینیان را به نسل امروز می‌نمایاند. این تجربه‌ها، در عرصه‌های گوناگون زندگی گذشتگان متبلور شده است؛ تجربه‌ها و شیوه‌های معیشت، توسعه اقتصادی، علمی، فرهنگی، اعتقادی از این جمله هستند.

مصادیق میراث فرهنگی ملموس، مانند خانه‌ها، قلعه‌ها، پل‌ها، مساجد، بازارهای سنتی، باغ‌ها، قنات‌ها، کاروان‌سراها، بافت‌های تاریخی شهرها و روستاها و غیره و میراث فرهنگی ناملموس مرتبط با معیشت پیشینیان، شامل دانش و مهارت‌ها و فنون سنتی، مهندسی و معماری سنتی، طب سنتی، دانش دریاوردی، کشاورزی سنتی و مدیریت آب از طریق بندها و قنات‌ها و آسیاب‌ها و نیز آداب و رسوم و سنت‌هایی که هر یک ربط و ارتباطی نیز با معیشت و حیات جاری و نیز با طبیعت و کیهان و باورهای دینی و مذهبی داشته‌اند، همگی بخشی از زندگی جاری و رایج مردم بوده‌اند. همه این گواهان زنده شیوه حیات گذشتگان، همچون میراثی ارزشمند به نسل امروز رسیده‌اند، بنابراین بخش مهمی از سرمایه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی امروز مردم ایران به‌شمار می‌روند. شایان توجه است که برخی مصادیق میراث فرهنگی ناملموس هنوز در معیشت بخشی از مردم ایران کاربرد و رواج دارند. از جمله انواع دانش سنتی نظیر کشاورزی سنتی و دانش مدیریت قنات در برخی مناطق کشور و نیز هنرهای سنتی و صنایع دستی که هنوز نیازهای معیشتی مردم مناطق مختلف کشور به آنها وابسته است. لذا این مصادیق، به‌لحاظ کاربردی بودن آنها قابل تلفیق با برنامه‌های توسعه و پیشرفت کشور است.

میراث فرهنگی به‌خصوص میراث ناملموس همچنین در حفظ و نگهداری منابع طبیعی و محیط زیست (که میراث طبیعی نیز بخش مهمی از آن است) تأثیر مهمی دارد. مظاهر میراث فرهنگی ایران، بناها و باغ‌ها و شهرها و محوطه‌های فرهنگی تاریخی، در دو شکل ملموس و ناملموس، حاصل تعامل دو سویه انسان‌ها و طبیعت با یکدیگر است. مظاهر میراث ناملموس ایران با تأثیرپذیری و یا تأثیرگذاری بر اقلیم و طبیعت محل زیست جوامع سنتی پیشین، شکل گرفته، تکامل یافته و به امروز رسیده‌اند. بخشی از این مظاهر شامل آیین‌ها، جشن‌ها، آداب و رسوم، هنرها، نمودها و بیان‌های مختلف و زبان‌های گوناگون - به‌عنوان حاملان فرهنگ‌های مختلف جنبه فرهنگی دارند که در رشد اجتماعی و فرهنگی جامعه امروز مؤثرند - و بخشی دیگر که به معیشت مربوطند، یعنی دانش و فنون و هنرهای سنتی، صنایع دستی و شیوه‌های تعامل انسان و طبیعت و کیهان علاوه بر وجه فرهنگی جنبه اقتصادی داشته و به رونق و توسعه کشور کمک کنند.

در عین حال این مصادیق در حفظ محیط زیست مؤثرند. جوامع محلی و سنتی با اعمال انواع مهارت‌ها و فوت و فن‌ها و دانش سنتی، ضمن برداشت منابع طبیعی به‌منظور رفع نیازهای معیشتی و حیات و نیز کلیه تظاهرات فرهنگی و تمدنی خود، آگاهانه و هوشمندانه منابع طبیعی را حفظ کرده و این ذخایر را همچون امانتی ارزشمند برای نسل‌های آینده به یادگار گذاشته‌اند. این چرخه پایداری، در طول تاریخ ایران تداوم یافته و به امروز رسیده است. بنابراین حیات پایدار، بخشی از میراث فرهنگی ایران است.<sup>۱</sup>

بدین ترتیب میراث فرهنگی علاوه بر اینکه می‌تواند عاملی برای پیوند مردمان با ریشه‌های هویت و درس‌آموزی از تجارب نیک و عبرت گرفتن از تجارب نادرست نسل‌های پیشین باشد، همچنین می‌تواند به‌عنوان دارایی‌های به‌ارث رسیده از پیشینیان، کاربردهای مفیدی در حیات جاری و رایج مردم امروز داشته و به رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و همچنین حفظ منابع محیط زیست بینجامد. پیش‌نیاز تأیید این موضوع، درک و پذیرش این حقیقت مهم بوده که تجارب گذشته، ذخیره و سرمایه مادی و معنوی افراد و جامعه ایرانی در زمان معاصر است. تجارب و شیوه حیات پیشینیان، به‌نوعی پایه و اساس بوده که بنای حال جامعه ایرانی بر آن استوار گشته است.

با این دیدگاه، دیگر نمی‌توان میراث فرهنگی را مقابل و یا حتی در تعارض با پیشرفت جامعه اسلامی ایرانی امروز دانست، بلکه در صورت شناخت و اتخاذ راهکارهای درست، می‌تواند یکی از ارکان مهم توسعه و پیشرفت ایران امروز باشد.

۱. در توصیف حیات پایدار ایران زمین، می‌توان به این شعر ملک‌الشعراى بهار اشاره کرد: دیگران کاشتند و ما خوردیم، ما بکاریم دیگران بخورند.



## ۳. زمینه مشارکت عمومی در حفاظت از میراث فرهنگی و میراث طبیعی در قوانین موجود

### ۳-۱. قانون مدیریت خدمات کشوری

طبق ماده (۸) **قانون مدیریت خدمات کشوری**، [۴] حمایت از میراث فرهنگی و همچنین حفظ محیط زیست و حفاظت از منابع طبیعی که به تبع میراث طبیعی نیز بخشی از آن است،<sup>۱</sup> دو امر حاکمیتی هستند و بنابراین دولت موظف به حمایت از آنهاست. این ماده قانونی در تعریف امور حاکمیتی، تصریح می‌کند که امور حاکمیتی آن دسته از اموری است که اولاً، «تحقق آن موجب اقتدار و حاکمیت کشور است» و ثانیاً، «منافع آن بدون محدودیت شامل همه اقشار جامعه گردیده و بهره‌مندی از این نوع خدمات موجب محدودیت برای استفاده دیگران نمی‌شود».<sup>۲</sup> چنانچه مشارکت مردم در حفظ و نگهداری میراث فرهنگی و میراث طبیعی متعلق به ایشان، یک حق فرهنگی و زیست‌محیطی و ابزاری برای: ۱. تحقق رشد و تعالی فکری، فرهنگی و معنوی، ۲. اقناع و نشاط فردی و اجتماعی، ۳. ایجاد حس تعلق به جامعه و ابزار تحکیم هم‌بستگی عمومی و غیره باشد، همه امور بر شمرده شده نوعی بهره‌مندی از منافع میراث فرهنگی و میراث طبیعی است و با استنباط از بخش دوم تعریف ماده (۸) **قانون مدیریت خدمات کشوری**، شامل همه اقشار مردم ایران است. لذا مجوز مشارکت مردم در حمایت از میراث فرهنگی و میراث طبیعی، در بطن ماده (۸) قانون مدیریت خدمات کشوری مستتر است. با این حال لازم است با وضع یک قانون جدید، شیوه‌های به فعلیت در آمدن این پیش‌بینی بالقوه، در نظر گرفته شود.

### ۳-۲. قانون اساسنامه سازمان میراث فرهنگی کشور

از ابتدای تشکیل سازمان میراث فرهنگی کشور و اعطای وظایف حاکمیتی حمایت از میراث فرهنگی به آن سازمان، زمینه‌سازی قانونی برای مشارکت مردم در امور میراث فرهنگی ایجاد شده بود. بند «۲۰» ماده (۳) **قانون اساسنامه سازمان میراث فرهنگی کشور**، [۵] «تشویق مردم به مشارکت در فعالیت‌های مربوط به شناسایی، حفظ و احیای میراث فرهنگی و نظارت بر آن» را یکی از تکالیف دستگاه مذکور قرار داده است. به نظر می‌رسد با گذشت قریب به چهار دهه از تصویب این قانون و اقدامات اجرایی گسترده وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در تثبیت حاکمیتی بودن حمایت و حفاظت از میراث فرهنگی و همچنین با تشکیل و فعالیت گسترده سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در حوزه‌های مختلف میراث فرهنگی، بخشی از ظرفیت بالقوه مردم در امر حمایت از میراث فرهنگی، به فعلیت رسیده است. از آنجاکه یکی از کارکردهای مهم قانون، به‌ویژه در زمینه میراث فرهنگی، گسترش آگاهی‌های عمومی و زمینه‌سازی برای رشد و پیشرفت جامعه بوده، زمان آن فرا رسیده است که قانونگذار از مرحله اولیه «تشویق مردم به مشارکت در امر میراث فرهنگی» گذر کرده و «تشویق» را به «مسئولیت عمومی همه مردم نسبت به میراث فرهنگی و میراث طبیعی» تبدیل و نهادینه کند. با توجه به اینکه موضوع میراث طبیعی سال‌ها پس از تصویب قانون اساسنامه،

۱. قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، مصوب ۱۳۵۳/۳/۲۸ و همچنین آیین‌نامه اجرایی قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، مصوب ۱۳۵۴ با اصلاحات بعدی، از عنوان منابع طبیعی نام برده و مصادیق آن را ذکر کرده‌اند. با وجود این به فاصله اندکی پس از تصویب قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، قانون الحاق ایران به کنوانسیون حمایت میراث فرهنگی طبیعی جهان در ۱۳۵۳/۱۰/۸ به تصویب رسید که در این قانون برای نخستین بار از عبارت «میراث طبیعی» نام برده شده و در ماده (۲) تصریح شد: «ماده (۲) - به لحاظ کنوانسیون حاضر، آنچه ذیلاً ذکر می‌گردد «میراث طبیعی» به شمار می‌رود:

- آثار طبیعی متشکل از ترکیبات فیزیکی و زیست‌شناسی یا مجموعه‌ای از این نوع ترکیبات که از نظر زیبایی‌شناسی یا علمی حائز ارزش جهانی استثنایی هستند،  
- ترکیبات ارضی و جغرافیایی طبیعی و مناطق کاملاً مشخص که زیستگاه حیوانات و منطقه رشد گیاهان مورد تهدید بوده، از نظر علمی و حفاظت حائز ارزش جهانی استثنایی هستند،  
- محوطه‌ای طبیعی یا مناطق طبیعی که دقیقاً مشخص شده و به لحاظ علمی، حفاظت یا زیبایی طبیعی دارای ارزش جهانی استثنایی هستند تبصره ماده (۲) قانون تشکیل سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۲۳.

بدین ترتیب هر دو اصطلاح «منابع طبیعی» و «میراث طبیعی» مرتبط با محیط زیست عاری از دخالت انسان هستند و هر دو در قوانین و مقررات محیط زیستی و میراث فرهنگی ایران قید شده‌اند. تنها تفاوت موجود، حائز ارزش جهانی استثنایی برخی از این آثار طبیعی، مطابق تعریف کنوانسیون ۱۹۷۲ و قانون الحاق ایران به آن معاهده است که به محض ثبت در فهرست‌های داخلی و فهرست میراث جهانی یونسکو، میراث طبیعی خوانده می‌شوند. در حال حاضر دو اثر طبیعی ارزشمند ایران با عنوان «جنگل‌های هیرکانی» و «کویر لوت» در فهرست میراث جهانی یونسکو به ثبت رسیده‌اند و از این نظر در زمره میراث متعلق به بشریت قرار گرفته‌اند. ذکر این نکته نیز لازم است که علاوه بر اصطلاح میراث طبیعی، به شرح مذکور در فوق، عبارت «آثار طبیعی ملی» نیز در قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست و آیین‌نامه اجرایی آن قید شده است. ماده (۳) آیین‌نامه اجرایی مذکور عبارت آثار طبیعی ملی را این‌گونه تعریف کرده است: «پدیده‌های نمونه و نادر گیاهی یا حیوانی، اشکال یا مناظر کم‌نظیر و کیفیات ویژه طبیعی زمین یا درختان کهنسال یادگار تاریخی می‌باشند که با منظور داشتن محدوده متناسبی تحت حفاظت قرار می‌گیرد». شایان توجه است که آیین‌نامه اجرایی تبصره ماده (۲) قانون تشکیل سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، مصوب ۱۳۸۴/۲/۲۱ (ماده (۲)) میراث‌های طبیعی را شامل موارد ذیل نام برده است: «الف - مناظر طبیعی و عوارض بدیع جغرافیایی غیر حفاظت شده. ب - بقایای دیرین شناختی انسانی و محوطه‌های حاصل از تعامل فیزیکی و فرهنگی انسان و طبیعت. ج - مناطق مذکور در بند «الف» ماده (۳) قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست از قبیل آثار طبیعی ملی و سایر مناطق تحت حفاظت. د - آثار و بقایای دیرین شناختی جانوری و گیاهی». بدین ترتیب طبق آیین‌نامه اجرایی مورد نظر «آثار طبیعی ملی» نیز در زمره میراث طبیعی است. با این توضیحات، بند «ط» ماده (۸) قانون مدیریت خدمات کشوری، در حوزه محیط زیست و منابع طبیعی، میراث طبیعی را نیز دربر می‌گیرد.

۲. قانون مدیریت خدمات کشوری، مصوب ۱۳۸۶، ماده (۸): «ماده ۸- امور حاکمیتی: آن دسته از اموری است که تحقق آن موجب اقتدار و حاکمیت کشور است و منافع آن بدون محدودیت شامل همه اقشار جامعه گردیده و بهره‌مندی از این نوع خدمات موجب محدودیت برای استفاده دیگران نمی‌شود. الف - ... ط - حفظ محیط زیست و حفاظت از منابع طبیعی و میراث فرهنگی.

به موجب تبصره ماده (۲) قانون تشکیل سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، مصوب ۱۳۸۲ [۶] به وظایف سازمان مذکور اضافه شد، ضرورت دارد این موضوع نیز در قانون جدید پیش بینی شود.<sup>۱</sup>

### ۳-۳. قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست

طبق بند «د» ماده (۶) قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، «تنظیم و اجرای برنامه های آموزشی به منظور تنویر و هدایت افکار عمومی در زمینه حفظ و بهسازی محیط زیست» از جمله مأموریت های سازمان حفاظت محیط زیست در نظر گرفته شده است.<sup>۲</sup> ماده (۲۲) آیین نامه اجرایی قانون مورد نظر نیز تصریح کرده است: «سازمان به منظور تنویر و هدایت افکار عمومی در زمینه حفظ و بهسازی محیط زیست برنامه های آموزشی خاصی تنظیم و به مرحله اجرا خواهد گذاشت».

به نظر می رسد این بند، یک بستر قانونی مساعد در راستای مشارکت مردم در امر حفظ و بهسازی محیط زیست است. با وجود این، این پیش بینی در راستای زمینه سازی برای مشارکت همه جانبه مردم در زمینه حفاظت از میراث طبیعی، که بخش مهمی از محیط زیست ایران به شمار می رود، کافی و وافی نیست و لازم است این موضوع در قانون مربوطه پیش بینی شود.

### ۴. حق و مسئولیت مردم

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حقوق فرهنگی مردم ایران را به رسمیت شناخته است.<sup>۳</sup> لذا بهره مندی از میراث فرهنگی و به تبع آن میراث طبیعی به عنوان بخشی از حقوق فرهنگی مردم ایران، مورد تأیید قانونگذار است. از آنجاکه طبق یک قاعده حقوقی، حق موجد مسئولیت است. لذا مردم ایران به دلیل داشتن حقوق فرهنگی نسبت به میراث فرهنگی خود، مسئولیت هایی نیز در قبال آن دارند. با وجود این لازم است نحوه ایفای این مسئولیت عمومی نسبت به حقوق فرهنگی پیش بینی شده در قانون اساسی، در چارچوب قانون جدید، ایجاد شود. شایان توجه است که زمینه این امر و مشارکت مردم با توجه به سیاست های کلی نظام و برخی قوانین و مقررات میراث فرهنگی، از پیش موجود است. لذا با توجه به زمینه قبلی، لازم است در قانون جدید، موضوع مسئولیت عمومی مردم نسبت به میراث فرهنگی و میراث طبیعی تصریح شود. این تصریح قانونی، ضمن تبیین حدود و ثغور همکاری و مشارکت مردم، می تواند مسیر قانونگذاری و اقدامات اجرایی آتی را برای محقق ساختن مسئولیت عمومی هموار سازد.

۱. شایان توجه است که طبق قانون الحاق ایران به کنوانسیون حمایت میراث فرهنگی و طبیعی جهان، مصوب ۱۳۵۳، کشور نسبت به حمایت از میراث طبیعی نیز متعهد بوده و قاعدتاً موضوع میراث طبیعی نیز باید در قانون اساسنامه سازمان میراث فرهنگی کشور، مصوب ۱۳۶۷ پیش بینی می شد که از این نظر مغفول ماند و با تبصره ماده (۲) قانون تشکیل سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، مصوب ۱۳۸۲، مورد توجه قانونگذار قرار گرفت. برای اطلاعات بیشتر نک: «ارائه بسته تقنینی جامع میراث طبیعی ایران»، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، مسلسل ۱۹۵۶۵، دی ۱۴۰۲.

۲. قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، مصوب ۱۳۵۳/۳/۲۸، بند «د» ماده (۶): «سازمان علاوه بر وظایف و اختیاراتی که در قانون شکار و صید برای سازمان شکاربانی و نظارت بر صید مقرر بوده دارای وظایف و اختیارات زیر است: بند «د» - تنظیم و اجرای برنامه های آموزشی به منظور تنویر و هدایت افکار عمومی در زمینه حفظ و بهسازی محیط زیست».

۳. اصول سوم و بیستم قانون اساسی مشخصاً به حقوق فرهنگی مردم ایران می پردازند.



## ۵. حق دسترسی به اطلاعات میراث فرهنگی و میراث طبیعی



با توجه به حقوق فرهنگی مردم نسبت به میراث فرهنگی و به تبع مسئولیتی که در برابر این حقوق به عهده دارند، قاعدتاً مردم باید به میراث فرهنگی و میراث طبیعی و به خصوص اطلاعات مربوط به آنها دسترسی داشته باشند تا بتوانند وظیفه عمومی خود را نسبت به حفظ و صیانت از آنها انجام دهند. این امر، زمینه‌های قانونی و حقوق بشری نیز دارد.<sup>۱</sup> طبق بند «۸» اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، «مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش» به رسمیت شناخته شده و دولت موظف است زمینه تحقق این مشارکت عمومی را فراهم کند.

حق آگاهی مردم از موضوعات مربوط به میراث فرهنگی و میراث طبیعی علاوه بر همه زمینه‌های قانونی موجود، همچنین متأثر از پیش‌بینی مقرر در قانون اساسنامه سازمان میراث فرهنگی کشور است. ماده (۳) این قانون، به صراحت معرفی میراث فرهنگی را یکی از چهار وظیفه اصلی سازمان مذکور (وزارت فعلی) بر شمرده است.<sup>۲</sup> مشخص است که هدف معرفی میراث فرهنگی، آگاه کردن مردم از ارزش‌های میراث فرهنگی و اطلاعات مربوط به این حوزه است. بنابراین مخاطبان این اقدام، به طور مستقیم مردم هستند. با این استدلال نفس وظیفه معرفی، در بطن ماهیت، متضمن حق مردم به آگاه شدن از ارزش‌ها و موضوعات و ابعاد مختلف میراث فرهنگی متعلق به ایشان است. مردم همچنین حق دارند به منظور انجام امور پژوهشی و آموزشی، از اطلاعات تخصصی میراث فرهنگی و میراث طبیعی بهره‌مند شوند. بند «۲۰» ماده (۳) قانون اساسنامه مورد نظر نیز «تشویق مردم به مشارکت در فعالیت‌های مربوط به شناسایی، حفظ و احیای میراث فرهنگی و نظارت بر آن» را در نظر گرفته است. ضمن اینکه بند مذکور، مبین توجه قانونگذار به لزوم مشارکت مردم در حفاظت از میراث فرهنگی بوده، انجام این مشارکت پیش از هر چیز مستلزم دسترسی و آگاهی از اطلاعات مربوط به این حوزه است.

طبق ماده (۲) قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۷ [۱۰] «هر شخص ایرانی حق دسترسی به اطلاعات عمومی را دارد، مگر آنکه قانون منع کرده باشد». منشور حقوق شهروندی نیز در ماده (۳۰) تأکید می‌کند: «حق شهروندان است که به اطلاعات عمومی موجود در مؤسسات عمومی و مؤسسات خصوصی ارائه‌دهنده خدمات عمومی دسترسی داشته باشند. همه دستگاه‌ها و نهادها موظف به انتشار مستمر اطلاعات غیر طبقه‌بندی شده و مورد نیاز جامعه می‌باشند».

با این زمینه قانونی، حقوق فرهنگی می‌تواند، حق دسترسی به اطلاعات میراث فرهنگی - در محدوده قانون - را نیز به همراه داشته باشد. به هر حال به این نکته نیز باید توجه داشت که با توجه به حساسیت و برگشت‌ناپذیر بودن میراث فرهنگی، اعمال مدیریت بر این ثروت ملی ارزشمند، قطعاً در زمره امور حاکمیتی قرار داشته و برخی اطلاعات این حوزه از نوع اطلاعات طبقه‌بندی (موضوع ماده (۱۳) قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات) شده هستند. به علاوه گاه دسترسی به اطلاعات فوق موجب افزایش جرائم حوزه میراث فرهنگی (موضوع بند «ب» ماده (۱۷) قانون فوق‌الذکر) لذا دسترسی عمومی و یا حتی دسترسی منفرد علمی پژوهشی به آنها باید تابع ضوابط و مقررات وضع شده از جانب نهاد اجرایی متولی، یعنی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی و تحت نظارت این دستگاه باشد. برای مثال تصمیم‌گیری راجع به دسترسی عام و یا محدود، به اشیای عتیقه واقع در موزه‌ها و اماکن فرهنگی تاریخی تحت اختیار و مدیریت دولت - شامل اشیای در معرض نمایش و به خصوص اشیای واقع در مخازن - و حتی اطلاعات مربوط به آنها در زمره اختیارات حاکمیتی نهاد اجرایی است و بدون نظارت این دستگاه با استدلال لزوم دسترسی به اطلاعات تحت قوانین مربوطه، مطرود است.<sup>۳</sup> همچنین اطلاع‌رسانی راجع به محوطه‌های

۱. حق دسترسی به اطلاعات در اعلامیه جهانی حقوق بشر (ماده (۱۹)) و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (بند «۲» ماده (۱۹)) قید شده است.

۲. قانون اساسنامه سازمان میراث فرهنگی کشور، ماده (۳): وظایف سازمان در زمینه میراث فرهنگی که شامل پژوهش، نظارت، حفظ و احیا و معرفی است به قرار زیر می‌باشد...

۳. اخیراً دادخواست ابطال بخشی از ماده (۶) و تبصره «۱» این ماده از دستورالعمل فیلم‌برداری و عکاسی از اماکن تاریخی و اموال منقول فرهنگی تاریخی تحت پوشش وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، ابلاغی ۱۳۹۸/۱۲/۱۷ وزارت مذکور، توسط یکی از شهروندان، نزد دیوان عدالت اداری مطرح شده است. خواهان با استناد به مواد (۵) و (۷) «قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات»، مصوب ۱۳۸۷ مربوط به ارائه اطلاعات در حداقل زمان ممکن و بدون تبعیض و ممنوعیت درخواست دلیل یا توجیه از متقاضی دریافت اطلاعات توسط مؤسسه عمومی، مصوب ۱۳۸۸، درخواست ابطال بخشی از ماده (۶) دستورالعمل مذکور یعنی عبارت «در معرض نمایش» و تبصره ماده (۶) را نموده است. به نظر می‌رسد با ابطال عبارت مورد نظر، محدودیت مربوط به دسترسی عمومی به اشیای فرهنگی تاریخی واقع در مخازن موزه‌های دولتی جهت عکسبرداری برطرف خواهد شد. اداره کل حقوقی و املاک وزارت در پاسخ به این دادخواست و در دفاع از دستورالعمل مورد نظر، (طی مکاتبه شماره ۱۴۰۳/۲۳۰۳/۱۲۶۹۶، مورخ ۱۴۰۳/۸/۹) ضمن استناد به ماده (۲۶) قانون مدنی، اصل (۸۳) قانون اساسی، بند «ط» ماده (۸) قانون مدیریت خدمات کشوری، اظهار داشته است که دستورالعمل مورد نظر

فرهنگی تاریخی، خود دلیل و عاملی برای افزایش جرائم حفاری غیر مجاز به قصد کشف اشیای عتیقه، خرید و فروش غیر مجاز و اقدام به قاچاق اموال فرهنگی تاریخی است. بنابراین با توجه به لزوم بازدارندگی جرائم میراث فرهنگی، اطلاع‌رسانی در این زمینه‌ها نیز مطرود است. باین حال، بخش‌های دیگری از اطلاعات عمومی مربوط به میراث فرهنگی و همچنین میراث طبیعی، که فاقد حساسیت‌های حاکمیتی هستند، چنانکه باید و شاید در اختیار عموم مردم ایران قرار داده نشده است. برای مثال عموم مردم ایران از فرایند ثبت آثار در فهرست آثار ملی و مطلع نیستند. اگرچه به مالکین خصوصی در جریان ثبت و یا پس از آن اطلاع داده می‌شود که ملک ایشان در فهرست آثار ملی ثبت شده، اما لازم است عموم جامعه نیز از اطلاعات مربوط به این موضوع آگاه شوند. عدم اطلاع‌رسانی کامل و کافی راجع به یا ثبت مصادیق میراث طبیعی و میراث ناملموس نیز صدق می‌کند. در مجموع با توجه به پیشرفت‌های حاصله در زمینه فناوری اطلاعات، هنوز پایگاه اطلاع‌رسانی عمومی که در آن فهرست آثار ملی، فهرست‌های داخلی و بین‌المللی میراث طبیعی، میراث فرهنگی و میراث ناملموس ایران، قرار داده شده باشد، وجود ندارد. این امر، مبین ضعف در زمینه اجرای تکلیف «معرفی» موضوع ماده (۳) قانون اساسنامه سازمان میراث فرهنگی کشور، مصوب ۱۳۶۷ است. در حال حاضر حق دسترسی عمومی در حوزه میراث فرهنگی، محدود به اقداماتی نظیر امکان بازدید گردشگران از اماکن فرهنگی تاریخی و موزه‌ها و یا تشکیل و فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد در زمینه‌های مختلف میراث فرهنگی است. به نظر می‌رسد این سطح از تعریف برای مشارکت و ایفای مسئولیت عمومی مردم کفایت نمی‌کند. در ضمن مردم باید به بخشی از اطلاعات میراث فرهنگی (که از حساسیت‌های حاکمیتی برخوردار نیست) دسترسی داشته و از سیاست‌ها و برنامه‌ها و اقدامات اجرایی دولت در زمینه میراث فرهنگی مطلع شوند تا بتوانند در مورد آن ابراز نظر و رأی و عقیده کرده و مسئولیت عمومی خود نسبت به آن را ایفا کنند.

بنابراین عموم مردم ایران حق دسترسی به میراث فرهنگی و میراث طبیعی در چارچوب ضوابط تعیین و اعلام شده توسط دولت را دارند. باین حال تأکید می‌شود که مقصود از دسترسی، لزوماً به معنای دسترسی مادی صرف به آثار فرهنگی و طبیعی خارج از چارچوب‌های حمایتی و حفاظتی دولت نیست، بلکه مقصود، به رسمیت شناختن حق مردم در این زمینه است که طبعاً با ایجاد بسترها و زیرساخت‌های قانونی و اجرایی لازم با هدف حفاظت آثار میسر می‌شود.

ایشان حق دارند از نحوه مدیریت، حفاظت و صیانت از میراث فرهنگی و میراث طبیعی توسط دستگاه‌های اداری دولتی ذی‌ربط، مطلع شوند. همچنین تأکید می‌شود که مقصود از حق مردم در آگاه شدن از اقدامات مدیریتی و صیانت دولت، به معنای محدود کردن اختیارات حاکمیتی دولت در ایفای وظایف حفاظت از میراث فرهنگی و میراث طبیعی نیست، بلکه هدف، ایجاد یک بستر نظارتی برای عموم مردم است تا با آگاهی از روند اقدامات دولتی، قادر به هم‌افزایی با دولت و یا حتی برخورد با تخلفات صورت گرفته باشند.

در نفع دسترسی آزاد به اطلاعات نیست، بلکه در راستای ایفای وظیفه حاکمیتی حفظ و نظارت بر میراث فرهنگی و اشیای موزه‌ای، با استفاده از روش‌های علمی و فنی و استانداردهای بین‌المللی موزه‌داری، تدوین و ابلاغ شده است. نگهداری اشیای فرهنگی تاریخی در مخازن امن، به منظور حفاظت از آنها در برابر آسیب و لطمه و البته جلوگیری از دسترسی مجرمین و سوءاستفاده‌گران به این اشیای ارزشمند، یک تصمیم حاکمیتی است که این موضوع با بند «ب» ماده (۱۷) «قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات» که «پیشگیری از جرائم» را در زمره استثنائات این قانون قرار داده است، همخوانی دارد.



## ۶. حق مطالبه‌گری



حق و مسئولیت مردم در قبال میراث فرهنگی و میراث طبیعی، تنها در صورتی چهره واقعی به خود می‌گیرد که هر یک از آحاد مردم ایران بتوانند آزادانه و بدون محدودیت و موانع، راجع به نحوه مدیریت میراث فرهنگی و میراث طبیعی و احیاناً ایرادها و کاستی‌های موجود در این زمینه از مقامات مسئول، سؤال کرده و پاسخ دریافت کنند. گام بعدی این مطالبه‌گری آن است که سؤال‌کنندگان قادر باشند، در صورت عدم اقتناع نسبت به پاسخ‌های دریافت شده علیه دستگاه ذی‌ربط و با مقامات مسئول دستور دهنده نزد مقامات قضایی، اقامه دعوی و دادخواهی کنند. از آنجا که حق مردم نسبت به میراث فرهنگی و میراث طبیعی، بخش مهمی از حقوق عامه است، این دادخواهی به موجب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبنای قانونی دارد.<sup>۱</sup> مطالبه‌گری مردم نسبت به موضوعات مورد نظر، مردم و دولت را به‌جای رابطه از بالا به پایین سابق - از دولت به مردم - در رابطه غیر عمودی قرار می‌دهد و زمینه مسئولیت عمومی نسبت به میراث فرهنگی و میراث طبیعی را فراهم می‌سازد.

## ۷. نگاهت نهادی



تاکنون وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی به‌عنوان یک نهاد حاکمیتی دولتی، (مطابق قانون اساسنامه سازمان میراث فرهنگی کشور) همه مسئولیت حمایت و حفاظت از میراث فرهنگی - در دهه‌های اخیر ثبت میراث طبیعی - را به‌عهده داشته است. شایان ذکر است که طبق آیین‌نامه اجرایی تبصره ماده (۲) قانون تشکیل سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، سازمان حفاظت محیط زیست نیز مسئولیت‌هایی نسبت به بخشی از امور میراث طبیعی کشور به‌عهده داشته و در این زمینه با وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی همکاری مستقیم دارد.<sup>۲</sup> بدین ترتیب همه امور مربوط به حمایت از میراث طبیعی به‌عهده تنها دو دستگاه دولتی قرار داده شده و در مورد میراث فرهنگی، همه وظایف حمایتی عمدتاً به‌عهده وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی است.

این در حالی است که موضوع میراث فرهنگی و میراث طبیعی در ماهیت، با تکالیف برخی دستگاه‌های اجرایی دیگر نیز ارتباط موضوعی دارد. برای مثال برای ایفای وظیفه معرفی میراث فرهنگی که در قانون اساسنامه سازمان میراث فرهنگی کشور، مصوب ۱۳۶۸ به‌عنوان یک وظیفه اصلی حاکمیتی به‌عهده وزارت مذکور قرار داده شده، نیاز به مشارکت وزارت آموزش و پرورش است تا از طریق آموزش در تمام مقاطع تحصیلی مدارس محقق شود. علاوه بر اختصاص واحدهای درسی، ارائه برنامه‌های آموزشی - تفریحی و بازدیدهای منظم و دوره‌ای در محل موزه‌ها، سایت موزه‌ها، اماکن فرهنگی - تاریخی به‌صورت متناسب‌سازی شده با فضاهای دانش‌آموزی و غیره تأثیر بسزایی در آگاه‌سازی نسل جوان نسبت به ارزش‌های فرهنگی تاریخی و کاربردی میراث فرهنگی و میراث طبیعی در حیات جاری جامعه بر جای خواهد گذاشت.

همچنین لازم است صدا و سیما در امر آگاه‌سازی عمومی و معرفی ارزش‌های میراث فرهنگی در سطح کلان جامعه با وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی همکاری کند. با این استدلال، لزوم مشارکت دستگاه‌های مورد نظر در امر آگاه‌سازی و آموزش عمومی در مورد میراث طبیعی نیز صدق می‌کند.

علاوه بر این برخی نهادهای دولتی و یا عمومی غیر دولتی که وظایف و اهداف و مأموریت‌های ایشان به‌خصوص مرتبط با امر توسعه است، ارتباط مستقیم با موضوع میراث فرهنگی دارند، اما در قوانین مرتبط، پیش‌بینی‌های کامل و کافی به‌نحوه تعامل با این موضوع نشده است.

۱. اصل یکصد و پنجاه و ششم: قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است: ۱- رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبه که قانون معین می‌کند. ۲- احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع... ۲. مطابق ماده (۴) آیین‌نامه اجرایی تبصره ماده قانون تشکیل سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، مصوب ۱۳۸۴/۲/۲۱ «مناطق و میراث‌های موضوع بندهای «ج» و «د» ماده (۲) این آیین‌نامه تحت اختیار و مدیریت سازمان حفاظت محیط زیست قرار داشته و این سازمان همچنان وظایف محول شده و امور مربوط به تعیین و حفاظت و بهره‌برداری از آنها را طبق مقررات مربوط بر عهده دارد». دستورالعمل بهره‌برداری پایدار از میراث طبیعی موضوع ماده (۵) آیین‌نامه مذکور به تصویب مشترک رسیده و طبق ماده (۶) «سازمان حفاظت محیط زیست به‌عنوان نماینده دولت در محوطه‌ها و مناطق تحت مالکیت دولت و منابع ملی واقع در مناطق چهارگانه موضوع بندهای «ج» و «د» ماده (۲) این آیین‌نامه می‌باشد». شایان ذکر است که ثبت مصادیق میراث طبیعی در فهرست‌های داخلی و فهرست میراث جهانی توسط وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی و با همکاری مستقیم سازمان حفاظت محیط زیست انجام می‌گردد.

بدین ترتیب میراث فرهنگی که به دلیل وسعت، ارزش‌ها و اهمیت آن می‌توانست در ماهیت، موضوعی فرابخشی و در حوزه فعالیت چند نهاد ذی‌ربط در نظر گرفته شود، از ابتدا تنها محدود به یک دستگاه دولتی شده و به همین دلیل در مجموعه دولتی، در انزوا و یا حتی در تقابل با توسعه قرار گرفته است. با وجود این، در صورت ایجاد فضای همکاری میان میراث فرهنگی و حوزه فعالیت مرتبط با توسعه و پیشرفت کشور، میراث فرهنگی نه تنها در مقابل توسعه قرار نمی‌گیرد، بلکه برعکس، می‌تواند ظرفیت قابل توجهی در راستای کمک به پیشرفت کشور در ابعاد اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی باشد. بدین منظور لازم است جایگاه میراث فرهنگی و به‌ویژه موضوع مسئولیت عمومی در شرح وظایف سایر دستگاه‌های اجرایی مشخص شود. برای مثال در صورتی که موضوع مسئولیت عمومی نسبت به میراث فرهنگی و میراث طبیعی در شرح وظایف شهرداری‌ها به‌روشنی تبیین شود، میراث فرهنگی و میراث طبیعی، بدل به فرصتی برای توسعه شهری و کاربرد سازای آن در راستای کمک به جلب درآمد و توانمندسازی مالکین خصوصی میراث فرهنگی ضمن حفظ و صیانت از آثار میراث فرهنگی، رشد و توسعه اجتماعی و تحکیم هویت شهری خواهد شد. در حالی که با شرح وظایف کنونی این دستگاه عمومی غیردولتی، چنین فرصتی فراهم نشده است.

## ۸. اقدامات جبرانی و تشویقی<sup>۱</sup>

برای ترغیب مردم به ایفای تعهدات اجتماعی نسبت به میراث فرهنگی و میراث طبیعی، برنامه‌ها و اقدامات تشویقی، جبرانی لازم است. با ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی برای مشارکت مردم در این زمینه‌ها از یک سو ظرفیت کاربردی اقتصادی میراث فرهنگی و میراث طبیعی، به مرحله فعلیت تبدیل خواهد شد و از سوی دیگر با تشویق مردم به حمایت و همیاری در حفظ، هدف اصلی حفاظت و صیانت از میراث فرهنگی محقق می‌شود.

همچنین یکی از مهم‌ترین مشکلات موجود در زمینه حفاظت از میراث فرهنگی، نارضایتی مالکین اموال فرهنگی - تاریخی از ثبت اموال ایشان در فهرست آثار ملی است که در نتیجه وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی را در انجام وظایف حاکمیتی خود با چالش و مشکلات عدیده‌ای مواجه کرده است. مفاد قانون راجع به حفظ آثار ملی، مصوب ۱۳۰۹ تأکید بیشتری بر حقوق عمومی داشته است. باین حال قانون فوق ضمن ایجاد محدودیت‌هایی بر حقوق مالکانه دارندگان، هیچ‌گونه تمهیداتی برای کسب رضایت از آنها نسبت به ثبت اموال در فهرست آثار ملی و جبران محدودیت‌های ایجاد شده بر حقوق مالکانه ایشان، پیش‌بینی نکرد.

قوانین پس از آن نیز با رویکرد حفظ میراث فرهنگی به نفع عموم جامعه به تصویب رسیدند. مواد (۵۶۴ تا ۵۶۶) قانون مجازات اسلامی، تخطی مالکین از ضوابط حفاظتی تعیین شده از جانب سازمان میراث فرهنگی (وزارت فعلی) را به‌عنوان جرم شناخته و مرتکبین را مشمول مجازات دانستند.

ماده (۵۶۴)<sup>۲</sup> که مربوط به مرمت، تعمیر، تغییر، تجدید و توسعه ابنیه یا تزئینات اماکن فرهنگی - تاریخی ثبت شده در فهرست آثار ملی بدون اجازه وزارت است، معمولاً در ارتباط با مالکین خصوصی مورد استفاده قرار می‌گیرد. زیرا مالکین گاه اقدام به تعمیر، مرمت، تخریب و توسعه و... ملک خود بدون نظارت نهاد تخصصی یعنی وزارت مذکور می‌کنند که با این اقدامات، ارزش‌های فرهنگی تاریخی ملک مخدوش شده و مرتکب مشمول مجازات مقرر در این ماده قانونی می‌شود. باین حال، قرار گرفتن این ماده در کنار سایر مواد فصل نهم که مربوط به جرائمی چون تخریب عامدانه، تجاوز به محوطه‌های تاریخی، حفاری غیر مجاز به قصد کشف اشیای عتیقه، خرید و فروش این اشیاء و سرقت و قاچاق اموال فرهنگی تاریخی هستند و سنگینی مجازات مذکور (حبس از ۶ ماه تا دو سال) در قیاس با سایر جرائمی چون سرقت، قاچاق، تخریب و غیره، متناسب با شأن و جایگاه مالکین خصوصی نیست. اگر چه به صورت موردی برخی از مالکین، عامدانه اقدام به تخریب ملک متعلق به خود می‌کنند، اما سخت‌گیری‌های اعمال شده علیه عموم مالکین خصوصی، که بعضاً از اقشار کم‌درآمد جامعه هستند و تبعات اقتصادی ناشی از

۱. این پیشنهادها، دارای بار مالی است و باید از طریق دولت پیگیری شود.

۲. ماده (۵۶۴): «هر کس بدون اجازه سازمان میراث فرهنگی و بر خلاف ضوابط مصوب اعلام شده از سوی سازمان مذکور به مرمت یا تعمیر، تغییر، تجدید و توسعه ابنیه یا تزئینات اماکن فرهنگی - تاریخی ثبت شده در فهرست آثار ملی مبادرت نماید، به حبس از ۶ ماه تا دو سال و پرداخت خسارت وارده محکوم می‌گردد».



اعمال محدودیت‌های مورد نظر، بدون پشتیبانی‌های جبرانی و حمایت‌های تشویقی، متناسب با شأن مالکانه ایشان نبوده و از این نظر، نیاز به بازنگری کلی دارد. علاوه بر محدودیت‌های قانونی پیش‌بینی شده در فصل نهم قانون مجازات اسلامی، در برخی موارد نیز سخت‌گیری‌های مضاعفی از سوی بعضی ادارات میراث‌فرهنگی به پشتوانه اقتدار اجرایی و حق در نظر گرفته شده برای ایشان به‌عنوان شاکی خصوصی (طبق ماده (۵۶۷))، علیه مالکین اعمال می‌شود.<sup>۱</sup> همه این موارد، موجب استیصال و یا حتی انزجار مالکین خصوصی از میراث‌فرهنگی می‌شود. در نتیجه برخی از مالکین، در واکنش به این محدودیت‌ها و برای استیفای حقوق مالکانه خود، مبادرت به تظلم‌خواهی نزد مراجع قضایی و یا مراجعه به دیوان عدالت اداری با درخواست خارج کردن ملک متعلق به خود از فهرست آثار ملی می‌کنند. این وضعیت برای وزارت نیز مشکلاتی را ایجاد می‌کند که از جمله عبارتند از: تراکم پرونده‌های مراجعات مالکین خصوصی به دیوان عدالت اداری و به تبع تراکم اقدامات حقوقی وزارت در پاسخ‌گویی و دفاعیات نزد محاکم و آرای صادره مبنی بر الزام وزارت به تملک آثار (در شرایطی که اعتبارات کافی برای تملک وجود ندارد) و یا خارج کردن اموال فرهنگی تاریخی ارزشمند از فهرست آثار ملی. واضح است که در بسیاری موارد، هدف اصلی مالکین از مراجعه به دیوان عدالت اداری و اخذ رأی خروج از ثبت، تخریب ملک فرهنگی تاریخی و ساخت‌وساز مجدد است. طبیعتاً تخریب ملک پس از اخذ رأی به نفع مالک خصوصی، خود عاملی بر تقویت فقر میراث‌فرهنگی ایران به‌شمار می‌رود.

البته این محدودیت‌ها به لزوم حفظ ارزش‌های میراث‌فرهنگی به نفع عموم جامعه ایجاد شده است. لذا حفظ میراث‌فرهنگی به نفع همه مردم، حتی اگر به ایجاد محدودیت‌هایی در حقوق مالکیت خصوصی بینجامد، نه تنها امر مذموم نیست، بلکه بنابر همه ارزش‌های بشری متداول امروز ایران و جهان، اقدامی شایسته و لازم است. با وجود این، آنچه مورد غفلت قوانین ایران قرار گرفته، عدم پیش‌بینی راهکارهای جبران خسارات وارده به مالکین ناشی از ثبت اموال متعلق به ایشان در فهرست آثار ملی است. شایان ذکر است ماده (۸۳) (بند «پ») قانون برنامه هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۴۰۳ [۷] «در راستای حفاظت از میراث‌فرهنگی و جبران حقوق مالکانه مردم»، تکالیفی را برای وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی مشخص کرده است.<sup>۲</sup> از جمله این تکالیف، «بازنگری حریم‌های آثار ثبتی پیشین و تعیین حریم آثار ثبتی جدید با رعایت هم‌زمان حفظ اثر، عدم اعمال محدودیت‌های نابه‌جا خارج از اختیارات قانونی، نحوه جبران محدودیت‌های ایجاد شده قانونی برای مالکان» هستند که وزارت مکلف به انجام اقدام قانونی شده است.

قانون حمایت از مرمت و احیای بافت‌های تاریخی فرهنگی، مصوب ۱۳۹۸ [۸] عمدتاً مربوط به نحوه مرمت و احیای بافت‌های تاریخی فرهنگی با رعایت حقوق مالکانه است. در این قانون، هیچ‌گونه اشاره‌ای به شیوه‌های جبران محدودیت‌های اعمال شده بر مالکین خصوصی نشده است. ذکر این نکته نیز لازم است که «آیین‌نامه حمایت از مالکان، متصرفان قانونی و بهره‌برداران خصوصی و غیردولتی آثار غیرمنقول و بافت‌های تاریخی فرهنگی ثبت شده در فهرست آثار ملی و تاریخی، فرهنگی و با ارزش»<sup>۳</sup> [۹] برخی حمایت‌های جبرانی از اشخاص مذکور در عنوان آیین‌نامه در نظر گرفته است. با وجود این، به نظر می‌رسد حمایت‌های جبرانی به‌عنوان تکلیف مصرح وزارت و سایر دستگاه‌های اجرایی مرتبط باید در قانون تشریح شود تا از ضمانت اجرایی و پشتوانه قانونی کافی بهره‌مند باشد.

۱. از جمله این موارد، اقدام اداره میراث‌فرهنگی بروجرد به استقرار واحد اداری در خانه حاج افتخارالاسلام و دخل و تصرف کامل در ملک از جمله تعمیر، مرمت و قطع درختان کهنسال ملک، بدون رضایت مالک خصوصی است. شایان ذکر است که چهار دانگ از این ملک، در مالکیت میراث‌فرهنگی و دو دانگ دیگر در مالکیت، یکی از وراث مرحوم حاج افتخار است.

۲. ماده (۸۳) قانون پیشرفت جمهوری اسلامی ایران، بند «پ»: دولت مکلف است در راستای حفاظت از میراث‌فرهنگی و جبران حقوق مالکانه مردم اقدامات ذیل را انجام دهد:

۱. سازمان ثبت اسناد و املاک کشور مکلف است با همکاری وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی نسبت به رقوم‌سازی نقشه‌های عرصه و حریم آثار ملی و محدوده بافت‌های تاریخی در نقشه‌های حدنگاری (کاداستر) و همچنین لایه شهرها و بناها و محدوده بافت‌های تاریخی - فرهنگی در «سامانه جامع صدور اسناد مالکیت و بستر یکپارچه استعلام دستگاهی» با رعایت قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی تا پایان سال دوم برنامه اقدام نماید.

وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی مکلف است گزارش عملکرد این جزء را ۶ ماه یک‌بار به کمیسیون فرهنگی مجلس ارسال نمایند.

۲. وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی مکلف است نسبت به بازنگری حریم‌های آثار ثبتی پیشین و تعیین حریم آثار ثبتی جدید با رعایت هم‌زمان حفظ اثر، عدم اعمال محدودیت‌های نابه‌جا خارج از اختیارات قانونی، نحوه جبران محدودیت‌های ایجاد شده قانونی برای مالکان و تعیین حریم‌های کالبدی، منظر، ساختاری و کاربردی، با لحاظ مؤلفه‌هایی همچون ارتفاع، شکل (فرم)، مصالح و سبک معماری، عوامل مؤثر در ساختار و پایداری اثر (سطحی و زیرسطحی)، کاربری و نحوه فعالیت‌های پیرامونی و امکان توسعه و نوسازی آتی در محدوده حریم‌ها با رعایت حقوق شرعی اماکن موقوفه، مساجد و موارد مشابه از جمله حفظ کاربری و نیت واقفین و نیز جبران حقوق مالکانه مردم از جمله اعطای اراضی معوض به مالکان املاک واقع در عرصه و حریم آثار ملی که با محدودیت و کاهش ارزش املاک مواجه شده‌اند، اقدام قانونی به‌عمل آورد.

۳. وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی مکلف است حداکثر ظرف سه‌ماه پس از ثبت ملی یا جهانی هر اثر، حریم آن را مطابق قوانین و مقررات مربوط تعیین و ابلاغ نماید. تعیین حریم ثبتی آثار ثبتی فاقد حریم یا بازنگری حریم‌های تعیین شده پیشین طی برنامه باید به‌گونه‌ای باشد که در هر سال از برنامه، بیست درصد (۲۰٪) از حریم‌های آنها ابلاغ گردد.

۴. «آیین‌نامه حمایت از مالکان، متصرفان قانونی و بهره‌برداران خصوصی و غیردولتی آثار غیرمنقول و بافت‌های تاریخی - فرهنگی ثبت شده در فهرست آثار ملی و تاریخی، فرهنگی و با ارزش». مصوب ۱۴۰۰/۵/۳.

در مواردی نیز حمایت موجود مشمول اموال ثبت شده دارای مالکین خصوصی نمی شود و صرفاً متوجه اموال دولتی و یا بدون مالک خصوصی است. برای مثال، طبق ماده (۵۶۳) فصل نهم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) هرگونه تجاوز به اراضی و تپه ها و اماکن تاریخی و مذهبی که به ثبت آثار ملی رسیده و مالک خصوصی نداشته باشد، به شرط علامت گذاری توسط سازمان میراث فرهنگی کشور جرم و مشمول مجازات است. با وجود این، حمایت این ماده مشمول آثار دارای مالک خصوصی نیست. در حالی که این گونه آثار نیز ولو با داشتن مالکین خصوصی، بخشی از میراث فرهنگی جامعه هستند و باید در برابر تعرضات، مورد حمایت دولت قرار گیرند. این امر می تواند نوعی حمایت از حقوق مالکانه دارندگان خصوصی و تشویق ایشان به حفظ میراث فرهنگی به شمار آید.

بدیهی است حفظ آثار میراث فرهنگی با همه تمامیت و اصالت آن به نفع عموم جامعه، هزینه های مادی و معنوی را برای مالکین به همراه دارد. بنابراین متقابلاً دولت به نمایندگی از جامعه مکلف است این هزینه ها را به مالکین بپردازد. شایسته است دولت و وزارت که وظیفه حاکمیتی حفاظت از میراث فرهنگی را به عهده دارند، با اتخاذ اعمال سیاست ها و راهکارها و شیوه ها و اقدامات جبرانی، محدودیت های ایجاد شده بر حقوق مالکین اشخاص - که عمدتاً از اقشار ضعیف و کم درآمد جامعه هستند - را جبران کنند تا هم میراث فرهنگی به نفع همه مردم حفاظت شود هم از مالکین که ایشان هم جزو شهروندان این کشور هستند، حمایت لازم به عمل آید.

## ۹. تعاریف

از آنجا که قوانین موجود حوزه میراث فرهنگی و میراث طبیعی، مفاهیم و موضوعات مرتبط با مسئولیت عمومی نسبت به این دو حوزه (به شرح مطروحه در این گزارش) را تعریف و تبیین نکرده اند، ارائه تعاریف جدید در قانون مربوطه ضرورت دارد.

### ۹-۱. کارکرد و کاربرد میراث فرهنگی و میراث طبیعی

هیچ یک از قوانین موضوعه ایران در زمینه میراث فرهنگی، کارکرد و کاربردهای میراث فرهنگی در حیات معاصر را مشخص نکرده و یا اساساً جایگاهی برای این موضوع در نظر نگرفته اند. اندیشه حاکم بر همه قوانین حوزه میراث فرهنگی از قانون راجع به حفظ آثار ملی ۱۳۰۹ تا زمان حاضر، مبتنی بر حفظ میراث فرهنگی به نفع عموم جامعه و نسل های آینده بوده است. این موضوع در خصوص معدود قوانین حوزه میراث طبیعی ایران نیز صدق می کند. مطابق این نگرش، مهم ترین و یا حتی تنها کارکرد میراث فرهنگی، جایگاه آن در پیوند نسل حاضر به ریشه های هویت و زمینه سازی برای عبرت از گذشته است.<sup>۱</sup> با اینکه رویکرد به تغییر کاربری و بهره برداری اقتصادی از برخی آثار دولتی، در چارچوب صندوق احیا و بهره برداری از بناها و اماکن تاریخی - فرهنگی<sup>۲</sup> ایجاد شده است، اما زمینه و اقدامات انجام شده در این خصوص کافی نیست.

شایان ذکر است که میراث فرهنگی دارای ظرفیت قابل توجهی برای پیشرفت اقتصادی - به واسطه گردشگری - اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و همچنین تأمین منافع فرهنگی بین المللی است. این میراث را می توان عامل اتحاد و انسجام منطقه ای و بین المللی و در مواردی مقابله با مخاطراتی چون جهانی سازی، تهاجم فرهنگی و غیره دانست. میراث طبیعی نیز کارکردهای مهمی در سطوح داخلی و بین المللی دارد که علاوه بر سهم مهم آن در رشد گردشگری، طبیعت گردی و بوم گردی، گردشگری پژوهشی و غیره، جایگاه مهمی نیز در موضوعات زیست محیطی از جمله مقابله با تهدید تخریب محیط زیست و... دارد. آنچه امروز تحت عنوان میراث طبیعی شناخته می شود در گذشته، جایگاه مهمی در حیات جاری و معیشتی مردم نسل های پیشین ایران داشته و توسط ایشان مدیریت و حفاظت شده است. از این رو امروزه

۱. قانون اساسنامه سازمان میراث فرهنگی کشور، مصوب ۱۳۶۷: «عبرت از حرکت فرهنگی انسان و بقا و رفای هویت و شخصیت فرهنگی جامعه» را به عنوان تنها هدف (تلویحاً) حفاظت از میراث فرهنگی قید کرده است.

۲. مطابق بند «ز» ماده (۱۱۴) قانون برنامه به سازمان میراث فرهنگی و گردشگری اجازه داده شد: «به منظور اعطای مجوز کاربری و بهره برداری مناسب از بناها و اماکن تاریخی قابل احیا با استفاده از سرمایه گذاری بخش خصوصی داخلی و خارجی، صندوق احیا و بهره برداری از بناها و اماکن تاریخی - فرهنگی را ایجاد نماید. بناها و اماکن تاریخی قابل احیا به استثنای نقایس (املاک و اموال) ملی به تشخیص سازمان مذکور از شمول ماده (۱۱۵) قانون محاسبات عمومی کشور، مصوب ۱۳۶۶/۶/۱ خارج است». طبق ماده (۸) قانون حمایت از هنرمندان، استادکاران و فعالان صنایع دستی، مصوب ۱۳۹۶، عنوان صندوق نام برده به «صندوق توسعه صنایع دستی و فرش دستباف و احیا و بهره برداری از اماکن تاریخی و فرهنگی» تغییر یافت.



اسناد و برنامه‌های بین‌المللی حوزه حفاظت از محیط زیست، نقش مردم و به‌ویژه جوامع محلی و سنتی را در حفظ و نگهداری ذخایر و منابع طبیعی - که میراث طبیعی نیز بخش مهمی از آنهاست - مؤثر دانسته و بر لزوم مشارکت ایشان در این خصوص تأکید می‌ورزند. میراث فرهنگی نیز در گذشته نه چندان دور بخش مهمی از حیات جاری مردم ایران بوده و کاربردهای مهمی در ابعاد مادی (معیشت) و معنوی (رشد و تعالی فکری، ذهنی و معنوی مانند دانش و ادبیات و هنر) داشته است. لذا شایسته و بایسته است که گذشته از حفظ میراث فرهنگی ملموس و ناملموس، کاربردها و کارکردهای آنها نیز به‌عنوان بخش مهمی از میراث فرهنگی ایران، شناسایی و حفاظت شوند که حفظ آنکه به‌نوعی زمینه معنوی میراث فرهنگی به‌شمار می‌روند، از طریق شناسایی و ثبت و سپس ایجاد زمینه‌های احیا و گسترش مجدد آنها در حیات معاصر، قابل انجام است.

برای مثال امروزه قنات ایرانی به‌عنوان یک اثر فرهنگی ایرانی در فهرست‌های داخلی و جهانی ثبت شده است. دانش سنتی قنات ایرانی نیز در فهرست میراث ناملموس ایران ثبت و نام استادکاران این حوزه نیز در فهرست گنجینه‌های بشری ایران ثبت شده است، اما حفظ کالبد مادی این اثر و نیز ثبت زمینه معنوی آن یعنی دانش سنتی قنات، کافی نیست. شیوه مدیریت آب به‌وسیله قنات، نقش مهمی در حیات ایرانیان گذشته از حیث رفع نیازهای معیشتی ایشان در تأمین آب شرب و کشاورزی و در عین حال حفظ ذخیره ارزشمند آب در اقلیم گرم و خشک ایران داشته است. لذا یک دانش سنتی مفید بوده و کارایی آن در عمل اثبات شده است. بدیهی است کنار نهادن این شیوه و دانش ارزشمند و کاربردی و اعمال شیوه‌های جدید مدیریت شهری و توسعه زیرساخت‌هایی چون سدها - با تأسی از الگوهای غربی - تأثیر مهمی در نابودی ذخایر طبیعی و تخریب محیط زیست داشته است. لذا با آگاهی از ارزش‌های دانش سنتی قنات، به‌عنوان یک سرمایه علمی و فرهنگی ایرانی، ضرورت دارد که کاربرد قنات مجدداً در حیات امروز احیا شود و از آن برای مقابله با مخاطرات زیست‌محیطی فنون جدید به‌ویژه سدسازی بهره‌برداری شود. با این نگرش، تا امروز میراث فرهنگی شامل دو بُعد مادی و غیرمادی بوده، اما به پیشنهاد این گزارش، لازم است تا که دارای بُعد سوم با عنوان کاربرد میراث فرهنگی - به‌خصوص زمینه معنوی آن یعنی میراث فرهنگی ناملموس - باشد.

## ۲-۹. حق و مسئولیت عمومی

با توجه به بند «۸» اصل سوم قانون اساسی<sup>۱</sup> عموم مردم نسبت به میراث فرهنگی حق دارند. با وجود این، حق موجود مسئولیت نیز است. بند «۶» اصل دوم قانون اساسی از «کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خداوند» سخن گفته است. طبق قوانین پیشین میراث فرهنگی، میراث فرهنگی به نفع عموم مردم حفاظت می‌شود با وجود این، هیچ زمینه‌ای برای مسئولیت ایشان نسبت به همه ابعاد حمایت از میراث فرهنگی ایجاد نشده است. طبعاً استفاده از ذخیره و ظرفیت عظیم مردمی در بارویکرد همکاری و همیاری با دولت در زمینه حمایت و حفاظت از میراث فرهنگی و همچنین میراث طبیعی، علاوه بر رشد فرهنگی و اجتماعی مردم، کمک مؤثری نیز به دولت و وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در انجام مأموریت‌ها و وظایف قانونی و حاکمیتی آن صورت خواهد گرفت.

## ۳-۹. مسئولیت دولت

در قوانین پیشین میراث فرهنگی عمده مسئولیت حمایت از میراث فرهنگی به‌عهده دولت و دستگاه متولی یعنی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی قرار داده شده است. با توجه به زمینه‌سازی قانون مربوطه برای تسهیم مشارکت مردم و دولت، لازم است مجدداً بر مسئولیت دولت تأکید شده و ابعاد آن مشخص شود.

۱. اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد: ۸- مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش.»

## ۱۰. نتیجه گیری و پیشنهادها



تحقق مسئولیت عمومی، بدون تغییر نگرش موجود از حاکمیتی بودن صرف حمایت از میراث فرهنگی و میراث طبیعی به مشارکتی کردن این مقوله میسر نیست. در صورت پذیرش این رویکرد از سوی سیاستگذاران و تأیید رسمی حق و به تبع آن، مسئولیت عموم مردم نسبت به مشارکت و همیاری در حفاظت از میراث فرهنگی و میراث طبیعی، گام آتی لازم در این خصوص، تصویب قانون مسئولیت عمومی نسبت به میراث فرهنگی و میراث طبیعی و اصلاح قوانین قبلی حوزه کیفری جهت پشتیبانی حقوقی و کیفری از مسئولیت عمومی است. در قانون مورد نظر باید نخست، حق مردم نسبت به مشارکت در حفاظت و صیانت از میراث فرهنگی و میراث طبیعی، که خود تابعی از حقوق فرهنگی مردم مصرح در اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است، صراحتاً به رسمیت شناخته شود. با این تصریح، نظر به اینکه حق، همواره موجد مسئولیت نیز است، عموم مردم نسبت به امر صیانت از میراث فرهنگی و میراث طبیعی، مسئولیت عمومی خواهند داشت. طبعاً مسئولیت عمومی مردم، در تعارض با اعمال اقتدار حاکمیتی دولت نسبت به حمایت از دو حوزه مورد نظر نیست، بلکه از نوع همیاری و مشارکت با دولت براساس زیرساخت و زمینه فراهم شده خواهد بود.

بدین ترتیب، تعیین نحوه مشارکت مردم در امر حفاظت از میراث فرهنگی و میراث طبیعی، طی مواد جداگانه در پیش نویس قانون ضرورت دارد. شایان توجه است که در حال حاضر همه امور حفاظت از اموال میراث فرهنگی دولتی، ثبت در فهرست های داخلی و بین المللی و پیگرد قضایی مجرمین میراث فرهنگی، حق و وظیفه انحصاری دولت و وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی است، اما با ایجاد زمینه مشارکت مردم در بخشی از این امور - البته به صورت همیاری و با نظارت دولت - مسئولیت عمومی در زمینه میراث فرهنگی و میراث طبیعی محقق خواهد شد.

پیشنهاد این گزارش آن است که در قانون مربوط به مسئولیت عمومی، حق و وظیفه مردم از جمله از طرق زیر مهیا شود:

۱. پیشگیری و مقابله با جرائم و تخلفات میراث فرهنگی و میراث طبیعی از طریق همکاری با دولت و مراجع انتظامی و قضایی؛
۲. اطلاع رسانی به وزارت میراث فرهنگی در خصوص محل وقوع آثار و اشیای فرهنگی تاریخی واجد ارزش ثبت؛
۳. همکاری با وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در امر حفاظت براساس ضوابط و سازوکارهای تعیین شده از جانب وزارت و سازمان های مردم نهاد فعال در حوزه های مورد نظر؛
۴. مطالبه گری آزادانه از طریق کارزارهای عمومی در زمینه نحوه حفاظت از میراث فرهنگی و میراث طبیعی توسط دولت؛
۵. دادخواهی راجع به اقدامات حفاظت از میراث فرهنگی و میراث طبیعی از سوی مراجع دولتی و عمومی غیر دولتی ذی ربط نزد محاکم عمومی.

به هر حال به منظور پرهیز از نابسامانی و تأثیر گذاری همراه با اخذ نتیجه، لازم است مطالبه گری های مورد نظر، صرفاً در چارچوب کارزارهای عمومی با رعایت اصول (۲۶ و ۲۷) قانون اساسی<sup>۱</sup> صورت گیرد و وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی و سایر نهادهای ذی ربط مکلف شوند به درخواست های مورد نظر پاسخ داده و رسیدگی کنند.

بنا به تعریف این گزارش، کارزارهای عمومی عبارتند از: هرگونه اقدام مطالبه گری گروهی با جمع آوری امضا از روش های مختلف از جمله فضای مجازی با هدف مطالبه، پرسش، درخواست ارائه اطلاعات مربوط به روند کلی و یا موردی حفاظت از میراث فرهنگی و میراث طبیعی، عملکرد مسئول و یا مسئولین میراث فرهنگی و میراث طبیعی.

طبعاً به فراخور افزایش آگاهی های عمومی، در نظر گرفتن وظایف دیگری متناسب با شرایط و اقتضائات موجود، امکان پذیر خواهد بود.

مسئولیت عمومی، محدود به مردم نیست، بلکه نهاد اجرایی آن یعنی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی نیز وظایفی برای

۱. اصل (۲۶) قانون اساسی: «حزب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی یا اقلیت های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ کس را نمی توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت.»  
اصل (۲۷) قانون اساسی: «تشکیل اجتماعات و راهپیمایی ها، بدون حمل سلاح، به شرط آنکه مخمل به مبانی اسلام نباشد آزاد است.»



عملیاتی کردن حقوق و مسئولیت‌های مردم به عهده دارد. بنابراین لازم است وظایف این دستگاه در خصوص این مورد به‌ویژه پاسخ‌گویی به مطالبات مردمی، در پیش‌نویس قانون مشخص شود. ذکر این نکته نیز لازم است که پیش‌نیاز اعمال مسئولیت عمومی، دسترسی عمومی به اطلاعات (غیر طبقه‌بندی) است. لذا با توجه به وظیفه از پیش تعیین شده معرفی، لازم است وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی ضمن معرفی ارزش‌ها، کارکرد و کاربردها و مصادیق میراث‌فرهنگی مطابق ماده (۳) قانون اساسنامه سازمان میراث‌فرهنگی کشور، مصوب ۱۳۶۷، دسترسی مردم به اطلاعات میراث‌فرهنگی را از طریق ایجاد پایگاه ملی اطلاع‌رسانی میراث‌فرهنگی و میراث‌طبیعی با سطح دسترسی عمومی داخلی و خارجی و روزآمدسازی آن، فراهم سازد.

وظیفه دیگر وزارت آن است که سازوکارهای همکاری و مشارکت مردم در امر حفاظت از میراث‌فرهنگی و میراث‌طبیعی را ایجاد و ابلاغ عمومی کرده و بر اعمال آنها نظارت کند.

همچنین لازم است پیش‌بینی‌های مربوط به حمایت جبرانی از مالکین خصوصی در قانون مسئولیت عمومی نسبت به میراث‌فرهنگی و میراث‌طبیعی، به‌طور روشن و با ذکر مصادیق اجرایی هر یک از آنها در نظر گرفته شود. دلیل پیشنهاد این موضوع آن است که مالکین خصوصی نیز بخش مهمی از عموم مردم هستند. لذا با ایجاد تمهیدات جبرانی در راستای اخذ رضایت ایشان نسبت به تداوم ثبت اموال متعلق به آنها در فهرست‌های ملی، مشارکت ایشان در حفاظت از میراث‌فرهنگی، به‌عنوان یک وظیفه عمومی، میسر خواهد شد.

همچنین با توجه به ارتباط موضوع مسئولیت عمومی نسبت به میراث‌فرهنگی و میراث‌طبیعی با حدود اهداف و وظایف سایر دستگاه‌های اجرایی، ضروری است هر یک از نهادهای دولتی و عمومی غیردولتی به فراخور حیطه وظایف و اختیارات خود، نقشی در زمینه مسئولیت عمومی نسبت به میراث‌فرهنگی و میراث‌طبیعی ایفا کنند. لذا پیشنهاد می‌شود در قانون مورد نظر، وظایف هر یک از دستگاه‌های مرتبط در این خصوص مشخص شود.

پیشنهاد دیگر این گزارش آن است که با توجه به تجربه تاریخی مردم ایران در امر بهره‌برداری و حفاظت از منابعی که امروز تحت عنوان میراث‌فرهنگی شناخته می‌شود و نیز ذخایر طبیعی به‌عنوان بخش مهمی از میراث‌طبیعی ایران، کارکردهای پیشین میراث‌فرهنگی و میراث‌طبیعی و تلفیق آنها با برنامه‌های توسعه‌ای، در پیش‌نویس قانون مسئولیت عمومی احیا شود.

از آنجا که لازمه و یا زمینه ایجاد مسئولیت عمومی نسبت به میراث‌فرهنگی و میراث‌طبیعی، کاربردی‌سازی و به‌کارگیری میراث‌فرهنگی و میراث‌طبیعی در حیات معاصر جامعه ایران است، ضرورت دارد این مفهوم در قانون مرتبط، تبیین شود. طبعاً با تعریف کارکردهای میراث‌فرهنگی و میراث‌طبیعی، کاربردی‌سازی این دو مقوله نیز نهادینه می‌شود.

## پیش نویس طرح مسؤلیت عمومي میراث فرهنگی و میراث طبیعي

### مقدمه

ماده (۸) قانون مدیریت خدمات کشوری مقرر می دارد: «امور حاکمیتی، آن دسته از اموری است که تحقق آن موجب اقتدار و حاکمیت کشور است و منافع آن بدون محدودیت شامل همه اقشار جامعه شده و بهره مندی از این نوع خدمات موجب محدودیت برای استفاده دیگران نمی شود» و بند «ط» این ماده «حفظ محیط زیست و حفاظت از منابع طبیعي و میراث فرهنگی» را در زمره امور حاکمیتی شناخته است. مشارکت عموم مردم در حفاظت از میراث فرهنگی و میراث طبیعي، مسؤلیت پذیری اجتماعی را از تقاداده و موجب تحکیم اقتدار و حاکمیت کشور می شود. لذا به منظور هدایت و انسجام امر حاکمیتی حفاظت از میراث فرهنگی و میراث طبیعي و با هدف ایجاد مسؤلیت پذیری اجتماعی مقرر در سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ و نیز بندهای «۱» و «۱۴» سیاست های کلی محیط زیست و نیز با هدف «حفظ هویت اسلامی، ایرانی و حراست از میراث فرهنگی» مقرر در سیاست های کلی نظام (ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵) لازم است تا از طریق مشارکت مردم در امر حفاظت از میراث فرهنگی و میراث طبیعي (در راستای بند «۲۰» ماده (۳) قانون اساسنامه سازمان میراث فرهنگی کشور، مصوب ۱۳۶۷ که تشویق مردم به مشارکت در فعالیت های مربوط به شناسایی، حفظ و احیای میراث فرهنگی و نظارت بر آن را تکلیف دستگاه قرار داده است)، قانون مسؤلیت عمومي میراث فرهنگی و میراث طبیعي به شرح مواد ذیل تصویب می شود:

### ماده (۱) - تعاریف:

#### الف) میراث فرهنگی و میراث طبیعي

آثار منقول و غیر منقول ثبت شده در فهرست آثار ملی و فهرست های ذی ربط، موضوع بند «۶» ماده (۳) قانون اساسنامه سازمان میراث فرهنگی کشور، آثار ثبت شده در فهرست جهانی و همچنین آثار در شرف ثبت در هر یک از این فهرست ها؛ مصادیق میراث طبیعي ثبت شده در فهرست آثار طبیعي، آثار ثبت شده در فهرست جهانی و همچنین آثار در شرف ثبت در هر یک از این فهرست ها، میراث فرهنگی و میراث طبیعي هستند.

#### ب) حق عمومي

حق عموم مردم ایران نسبت به مشارکت در فعالیت های مربوط به شناسایی، حفظ و احیای میراث فرهنگی و میراث طبیعي و نظارت بر این فعالیت ها توسط دولت.

#### پ) مسؤلیت عمومي

تکلیف عموم مردم ایران نسبت به حفاظت از میراث فرهنگی و میراث طبیعي و جلوگیری از تخریب و نابودی آنها.

ماده (۲) - کلیه اتباع ایران، نسبت به حفاظت از میراث فرهنگی و میراث طبیعي و جلوگیری از تخریب و نابودی آنها از طریق اقدامات ذیل، حق و یا مسؤلیت دارند:

الف) تخلفات و جرائم میراث فرهنگی را حین ارتکاب و یا بعد از وقوع، به مراجع اداری، انتظامی و قضایی اطلاع دهند؛

ب) وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی را از وقوع اشیا، آثار و محوطه های فرهنگی تاریخی واجد ارزش ثبت آگاه سازند؛

پ) در حفاظت از میراث فرهنگی و میراث طبیعي، با وزارت میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی، همکاری کنند؛

تبصره: آیین نامه اجرایی این بند، حداکثر یک سال پس از تصویب و ابلاغ این قانون، مشترکاً توسط وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی و سازمان حفاظت محیط زیست تدوین و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.



**ماده (۳)** - هر کس حق مطالبه اطلاعات، سؤال، تذکر، اعتراض و دادخواهی راجع به اقدامات حفاظت میراث فرهنگی و میراث طبیعی از وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی و سایر نهادهای دولتی و عمومی غیر دولتی ذی ربط به صورت فردی و یا از طریق سازمان‌های مردم‌نهاد موضوع ماده (۶۶) قانون آیین دادرسی کیفری، در چارچوب کارزارهای عمومی با رعایت اصول (۲۶) و (۲۷) قانون اساسی را دارد.

**تبصره:** کارزار عمومی عبارت است از هر گونه مطالبه‌گری گروهی و یا به واسطه کشنگری بیش از پنج سازمان مردم‌نهاد موضوع ماده (۶۶) قانون آیین دادرسی کیفری از روش‌های مختلف از جمله فضای مجازی با هدف کسب اطلاعات مربوط به روند کلی و یا موردی حفاظت از میراث فرهنگی و میراث طبیعی، اعتراض به عملکرد مسئول و یا مسئولین مرتبط با میراث فرهنگی و میراث طبیعی، به صورت کتبی، یا از طریق فضای مجازی.

**ماده (۴)** - دولت مکلف است شرایط تحقق احکام مقرر در مواد (۲ و ۳) این قانون را فراهم کند.  
بدین منظور:

**الف)** وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی مکلف است:

۱. به مطالبات موضوع ماده (۳) و تبصره آن با نظارت قوه قضائیه از حیث احیای حقوق عامه موضوع اصل (۱۵۶) قانون اساسی، پاسخ داده و رسیدگی کند؛

۲. نسبت به جلب مشارکت‌های مالی و کمک‌ها و هدایای مردمی اقدام کند و پس از گردش در خزانه به صورت ۱۰۰ درصد صرف حفاظت از میراث فرهنگی و میراث طبیعی کند؛

۳. به منظور معرفی میراث فرهنگی مطابق ماده (۳) قانون اساسنامه سازمان میراث فرهنگی کشور، مصوب ۱۳۶۷ و همچنین ایفای تعهدات مربوط به میراث طبیعی موضوع تبصره ماده (۲) قانون تشکیل سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، مصوب ۱۳۸۲، پایگاه اطلاع‌رسانی ملی میراث فرهنگی و میراث طبیعی، با سطح دسترسی عمومی داخلی و خارجی را ایجاد و به‌طور ماهیانه، روزآمد کند؛

۴. مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در میراث فرهنگی و میراث طبیعی دارای اساسنامه مصوب در مدیریت پایگاه‌های میراث فرهنگی و میراث طبیعی را از طریق تشکیل هیئت‌امنا تسهیل کرده و بر عملکرد ایشان نظارت کند.

**ب)** وزارت آموزش و پرورش مکلف است:

معرفی میراث فرهنگی و میراث طبیعی و نحوه حفاظت از آنها را با همکاری وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی و سازمان حفاظت محیط زیست، در همه مقاطع تحصیلی در اشکالی چون سرفصل‌های آموزشی، واحدهای درسی و برنامه‌های پرورشی از قبیل برگزاری اردوهای دانش‌آموزی اجرا کند.

**پ)** وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و دانشگاه‌های وابسته مکلف هستند:

۱. رشته‌های جدید و مرتبط با میراث فرهنگی و میراث طبیعی از جمله مدیریت میراث فرهنگی و حفاظت از میراث فرهنگی و میراث طبیعی را با هماهنگی و مشاوره «وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی» تأسیس نمایند.

۲. عناوین دروس و برنامه درسی رشته‌های مرتبط با میراث فرهنگی و گردشگری را با هماهنگی «وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی» حداقل هر ۵ سال یک‌بار روزآمد نماید.

۳. هر گونه تأسیس رشته، دانشکده‌ها و پژوهشگاه‌های مرتبط با میراث فرهنگی با مشورت «وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی» انجام شود.

۴. از طریق ارتباطات علمی بین‌المللی مانند فرصت‌های مطالعاتی و حمایت از پژوهش‌های دانشگاهی در زمینه میراث فرهنگی، آخرین دستاوردهای علمی در خصوص حفاظت، کشف و مرمت از میراث فرهنگی و میراث طبیعی مورد بهره‌برداری قرار دهد.

۵. در صورت تأمین اعتبارات یا از محل هدایا و کمک‌های مردمی و یا سایر نهادهای دولتی و عمومی غیر دولتی، تندیس‌ها، تصاویر و یا اطلاعات مرتبط با آثار فرهنگی و طبیعی هر منطقه جهت فرهنگ‌سازی و معرفی آثار و مفاخر به قشر دانشگاهی را در دانشگاه بومی آن منطقه نصب نماید.

۶. برنامه‌های فرهنگی مانند گردش‌های یکروزه و یاردوهای تفریحی جهت بازدید دانشجویان در صورت تأمین اعتبار، برگزار نماید.

۷. آیین‌نامه ارتقای هیئت‌علمی رشته‌های حوزه میراث فرهنگی و میراث طبیعی و گردشگری مبتنی بر ملزومات خاص این رشته‌ها اصلاح و بازبینی کند.

(د) مرکز ملی آمار ایران مکلف است:

نظام جامع آمار میراث فرهنگی و میراث طبیعی را با نظارت و همکاری وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی و سازمان حفاظت محیط زیست تهیه و ابلاغ کند.

(ت) شهرداری‌ها مکلفند:

۱. با نظارت و مشارکت وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، قطب‌های میراث فرهنگی و میراث طبیعی، را در بافت‌های تاریخی شهرها ایجاد کرده و الگوی کسب و کار متناسب با کاربری فرهنگی و کاربردی‌سازی اقتصادی هم‌شأن بافت تاریخی را اجرا کنند؛ تبصره: آیین‌نامه اجرایی این بند، حداکثر یک‌سال پس از تصویب و ابلاغ این قانون، مشترکاً توسط وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی و سازمان حفاظت محیط زیست و وزارت کشور تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

۲. در شهرهای دارای بافت تاریخی ارزشمند که حدود آن طبق ماده (۳) قانون اساسنامه سازمان میراث فرهنگی کشور، مصوب ۱۳۶۷ اعلام شده و یا می‌شود، تشکیلات و سازوکار مدیریتی ویژه مشارکت مردمی در امر حفاظت و کاربردی‌سازی بافت تاریخی ایجاد نمایند؛ ۳. ۲ درصد از عوارض نوسازی ساختمان‌ها را در اختیار وزارت میراث فرهنگی برای حفاظت، نگهداری و مرمت میراث فرهنگی و میراث طبیعی ثبت شده و یا در شرف ثبت دارای مالک خصوصی اختصاص دهند.

(ث) قوه قضائیه مکلف است:

۱. نسبت به تشکیل شعب تخصصی جرائم علیه میراث فرهنگی و میراث طبیعی اقدام نماید.

۲. بر نحوه اجرای کارزارهای عمومی موضوع ماده (۴) نظارت کند.

**ماده (۵) -** عبارت ذیل به ابتدای بند «۳» ماده (۳) قانون مالیات‌های مستقیم اضافه می‌شود:

املاک خصوصی میراث فرهنگی و میراث طبیعی ثبت شده در فهرست آثار ملی ایران و فهرست میراث طبیعی با تأیید وزارت میراث فرهنگی و صنایع دستی.

**ماده (۶) -** املاک خصوصی ثبت شده در فهرست آثار ملی و میراث طبیعی ثبت شده از پرداخت کلیه عوارض شهرداری معاف هستند.

**ماده (۷) -** مالکین املاک خصوصی میراث فرهنگی ثبت شده و یا در شرف ثبت، در صورتی که وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی را از وجود دفینه در املاک خود مطلع نمایند، مشمول دریافت پاداش به میزان ۲۰ درصد بهای اموال مکشوفه خواهند شد. تبصره: بهای کارشناسی اموال مکشوفه موضوع این ماده، توسط هیئتی متشکل از دو نفر کارشناس رسمی دادگستری بدون وابستگی شغلی به وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی و کارشناسان وزارت مذکور تعیین خواهد شد.

**ماده (۸) -** املاک خصوصی میراث فرهنگی و میراث طبیعی ثبت شده و یا در شرف ثبت از پرداخت هزینه‌های انشعاب و مصرف آب، برق و گاز و جمع‌آوری و دفع فاضلاب، بر مبنای تعرفه مصارف کاربری‌های فرهنگی به استناد مواد (۱)، (۲) و (۳) قانون هدفمند کردن یارانه‌ها تا سقف الگوی مصرف بهینه معاف هستند.



## منابع و مآخذ



- [۱] قانون راجع به حفظ آثار ملی، مصوب ۱۳۰۹.
- [۲] قانون آیین دادرسی کیفری.
- [۳] فصل نهم کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده).
- [۴] قانون مدیریت خدمات کشوری، مصوب ۱۳۸۶.
- [۵] قانون اساسنامه سازمان میراث فرهنگی کشور، مصوب ۱۳۶۷.
- [۶] قانون تشکیل سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، مصوب ۱۳۸۲.
- [۷] قانون برنامه هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۴۰۳.
- [۸] قانون حمایت از مرمت و احیای بافت‌های تاریخی فرهنگی، مصوب ۱۳۹۸.
- [۹] قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، مصوب ۱۳۸۸.
- [۱۰] آیین‌نامه حمایت از مالکان، متصرفان قانونی و بهره‌برداران خصوصی و غیردولتی آثار غیرمنقول و بافت‌های تاریخی فرهنگی ثبت شده در فهرست آثار ملی و تاریخی، فرهنگی و باارزش مصوب ۱۴۰۰ هیئت وزیران.
- [۱۱] «رأیه بسته‌تقنینی جامع میراث طبیعی ایران»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، مسلسل ۱۹۵۶۵، دی ۱۴۰۲.
- [۱۲] «بررسی مسئولیت عمومی در قبال میراث فرهنگی و میراث طبیعی»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، مسلسل ۱۹۸۶۹، تیر ۱۴۰۳.
- [۱۳] «اظهار نظر کارشناسی در باره: ماده (۴) لایحه اهداف و وظایف و اختیارات وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی: وظایف حوزه میراث فرهنگی»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، مسلسل ۲۰۰۴، شهریور ۱۴۰۳.



#### گزیده سیاستی

قانون مسئولیت عمومی نسبت به میراث فرهنگی و میراث طبیعی با فعال سازی ظرفیت های مردمی، مشخص سازی نگاشت نهادی، ارائه مشوق ها، باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد تا ماهیت صرفاً حاکمیتی بودن حفاظت تغییر یابد و تکالیف مردم و دستگاه های اجرایی در این باره روشن شوند.



مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ پست الکترونیک: [mrc@majles.ir](mailto:mrc@majles.ir)

وبسایت: [rc.majles.ir](http://rc.majles.ir)